

بررسی حق تقدم سهام از منظر نظام حقوقی ایران؛ با نگاهی به لایحه

تجارت مصوب ۱۳۹۱/۰۱/۲۳

سیده خدیجه حسینی سرچشمی^۱

سام محمدی^۲

چکیده

جستاری شایسته در قوانین حکایت از وجود حقی به نام حق تقدم دارد. حق تقدم امتیاز و توانایی یک شخص است که به موجب آن اختیار می یابد پیش تر از سایرین عملی را انجام دهد یا از امتیازی برخوردار گردد. یکی از مصادیق این حق، حق تقدم سهامداران شرکت های سهامی مندرج در ماده ۱۶۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ می باشد که بعد از افزایش سرمایه، سهامداران را درگیر خود می کند. با این حال، کمتر به این موضوع پرداخته شده که آیا می توان از این حق به عنوان یک حق خاص همانند سایر حقوق شناخته شده دیگر یاد کرد و با شناسایی ارکان و جایگاه آن در میان حقوق مختلف شخص به اوصاف آن از نظر حق عینی یا دینی بودن، قابلیت انتقال، امکان توثیق و بازداشت آن دست یافت؟ مبنا، شیوه اجرا و آثار این حق برای سهامداران چه می باشد؟ در این مقاله به بررسی این موارد پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: حق تقدم، سهامداران، مالکیت، توثیق، زوال حق.

طبقه بندی موضوعی: K22

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) kh_hosseini_999@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه مازندران

مقدمه

مصادیق حق تقدم هم در جنبه های مالی و هم در جنبه های غیرمالی حقوق بشر نمودار است. برای مثال، می توان از حق تقدم سهامداران در خرید سهام جدید شرکت های سهامی مذکور در ماده ۱۶۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت یاد کرد که براساس آن شرکت های سهامی موظفند این حق تقدم را شناسایی و رعایت کنند. با این حال، هرچند در برخی مصادیق، رعایت حق تقدم به ظاهر امری اخلاقی به نظر می آید، اما امروزه با پررنگ تر شدن مرزهای زندگی و حقوق افراد، این ظواهر اخلاقی اهمیت خود را به جنبه های حقوقی داده است؛ ضرورت بحث از این موضوع در جامعه کنونی و پیامدهای حقوقی و اجتماعی آن، امری اجتناب ناپذیر است. در نظام حقوقی ایران، بحث مستقلی درخصوص حق تقدم سهامداران به عنوان یکی از مصادیق حق تقدم جز یک پایان نامه^۳ و نیز یک مقاله درخصوص حق تقدم استقاده نشده (شهیدی، ۱۳۹۷) صورت نگرفته است؛ این در حالی است که گستردگی کاربرد آن در شرکت های تجاری، مشاهده می شود. لذا می طلبد پژوهشی پیرامون حق تقدم سهامداران با بررسی ماهیت، مبنا و آثار آن صورت گیرد تا جنبه های ناپیدا و ناگفته ی این نهاد حقوقی در این خصوص تبیین و روشن شود و نوآوری هایی در این زمینه ایجاد گردد. همچنین، حق تقدم در ماده ۴۵۶ لایحه قانون تجارت که در ۱۳۹۱/۰۱/۲۳ به تصویب کمیسیون حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده و مجلس نیز با اجرای آزمایشی آن موافقت نموده، مورد پیش بینی قانونگذار واقع شده است. هرچند این لایحه با ایرادات شورای نگهبان مجدداً به مجلس بازگشت و همچنان در مجلس نیز مسکوت می باشد، اما بررسی مواد مربوط به آن، که یکبار در مجلس مورد تأیید قرار گرفته، می تواند راهگشای مباحث حقوقی در این خصوص باشد.

۱- مفهوم حق تقدم سهام:

حقوقدانان در تعریف حق گفته اند: «امتیاز و نفعی است متعلق به شخص، که حقوق هر کشور، در مقام اجرای عدالت، از آن حمایت می کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می دهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳/ ۴۴۲). همچنین، واژه حق در اصطلاح علم حقوق به معنای امتیاز و توانایی که حقوق هر جامعه برای اعضای خود به وجود می آورد نیز، تعریف شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۶۶۹). برخی نیز حق را نوعی مصلحت دانسته اند که در برگیرنده امتیاز و ارزش خاصی بوده که توسط قانون به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار می گیرد (امید

۳- نظام حقوقی حق تقدم خرید سهام در ایران، فریده انصاری، دانشگاه اراک، ۱۳۹۵.

زنجانی، ۱۳۸۸: ۳۱). در حقیقت، تمام سخن در این است که توان و امتیازی حقوقی در اختیار شخص است و «حق» نامیده می شود.

اکنون و با روشن شدن معنای حق، شاید بتوان یک تعریف ابتدایی از «حق تقدم» به طور کلی ارائه داد: «امتیاز و توانایی یک شخص در برابر دیگران که به موجب آن، اختیار می یابد پیش تر از سایرین، عملی را انجام دهد یا از مزیتی برخوردار گردد». «حق تقدم سهام» را نیز می توان اینگونه تعریف نمود: «امتیازی است که به موجب آن سهامداران شرکت در زمان افزایش سرمایه نسبت به سایر سرمایه گذاران در خرید سهام جدید اولویت دارند». بی تردید این تعریف، کامل و جامع نیست؛ چرا که می بایست یک حق را با توجه به ارکان آن و جایگاهی که در میان حقوق مختلف یک شخص می تواند داشته باشد، تعریف نمود.

۱-۱- ارکان حق تقدم سهام:

به عقیده حقوقدانان برای آنکه حق در خارج موجود گردد باید دو طرف باشد که بین آنها رابطه ی حقوقی اعتبار شود و قوه مادی از آن حمایت نماید. از جمله ارکان حق، «موضوع حق» می باشد. در تعریف موضوع حق نیز گفته شده: «و آن چیزی است که متعهد له از دیگری طلب دارد که می تواند از او بخواهد. فرض شود در طلب یک هزار ریال، یک هزار ریال موضوع حق است» (امامی، ۱۳۸۳: ۱۳/۴). موضوع حق تقدم، رعایت تقدم و برتری پیش بینی شده برای اشخاص می باشد. درخصوص حق تقدم سهام، موضوع حق رعایت اولویت برای سهامداران در خرید سهام جدید می باشد.

یکی دیگر از ارکان اساسی حق، «دارنده ی حق» می باشد. دارنده ی حق تقدم در خرید سهام جدید شرکت، مندرج در ماده ۱۶۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ هم می تواند یک شخص حقیقی باشد و هم یک شخص حقوقی؛ چرا که، در برخی شرکت های سهامی اشخاص حقوقی هم در کنار اشخاص حقیقی، سهامدار می باشند. در ماده ۴۵۶ لایحه قانون تجارت مصوب ۱۳۹۱/۰۱/۲۳ بدون اینکه به صراحت عبارت «حق تقدم» بکار برده شود، از صدور گواهینامه حق خرید سهم برای سهامداران که می توانند هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی باشند، یاد کرده است. در این ماده چنین بیان شده: «پس از تصویب افزایش سرمایه در مجمع عمومی فوق العاده، در صورتی که افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به سهامداران به نسبت سرمایه آنان تصویب شود، هیأت مدیره شرکت باید ضمن صدور گواهینامه حق خرید سهم برای هر یک از سهامداران مراتب را

با تصریح به موارد زیر به نحوی که برای دعوت از مجامعه مقرر شده است به اطلاع سهامداران شرکت برساند: ...»

۱-۲- جایگاه حق تقدم سهام در میان حقوق شخص:

برای بررسی جایگاه حق تقدم سهام باید گفت که در حقوق تقسیم بندی های گوناگونی از حق ارائه شده است. در شناسایی انواع حق، برخی از «حقوق عرفی» نام برده اند. حقوقی که منشأ پیدایی آن عرف بوده و از آن به «حقوق عادی» نیز تعبیر شده است. (انصاری، ۱۳۸۴: ۲/ ۸۵۳) عرف عادت از آن رو الزام آور است که جماعتی به تکرار فعلی، مصلحت را تشخیص داده اند؛ چنین تشخیصی به اجماع امم محترم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۳). در هیچ جامعه ای نمی توان اثری را که عرف و اخلاق دارد، نادیده گرفت. از همین روست زمانی که در فرودگاه یک کشوری مسئولان فرودگاه، اتباع و شهروندان خود را بدون رعایت نوبت در صف مورد پذیرش قرار می دهند، رسانه های کشورهای دیگر این اقدام را با عنوان «عدم رعایت حق تقدم» نوعی توهین به اتباع خود تلقی می کنند.^۴ این حق تقدم های عرفی علاوه بر، حق تقدم هایی است که قانونگذار آن ها را شناسایی کرده است و در برخی موارد با پیش بینی ضمانت اجرای صریح، از رعایت آن جانبداری کرده است. حق تقدم سهامداران نیز از جمله حق تقدم های قانونی می باشد که قانونگذار حقوق تجارت در ماده ۱۶۶ لایحه اصلاحی آن را به رسمیت شناخته و در مواد متعدد بعد از آن نیز، سازو کار اجرای این حق و نیز ضمانت اجرای عدم رعایت آن را پیش بینی کرده است.

علاوه بر این تقسیم بندی، می توان از حق تقدم های مالی و غیرمالی نیز یاد کرد. تردیدی نیست که حق سهامداران در خرید سهام جدید پیش تر و برتر از سایرین، یک حق مالی می باشد که منافع مالی نیز برای آنان بدنیال دارد. بعد از آنکه افزایش سرمایه شرکت در مجمع عمومی فوق العاده به تصویب می رسد، شرکت یک فرم که به آن «گواهی حق تقدم خرید سهام» گفته می شود برای سهامداران ارسال می کند. در این فرم اطلاعات افزایش سرمایه شرکت مشخص شده است. اگر سهامداران تمایل به شرکت در افزایش سرمایه داشته باشند، این فرم را طی مهلتی که شرکت مقرر کرده، پُر کرده و برای شرکت ارسال می کنند. در ماده ۱۷۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مندرجات الزامی گواهی نامه حق خرید سهم که از جمله آن، مهلتی استفاده از گواهینامه مزبور می باشد، مشخص شده است. در لایحه تجارت مصوب ۱۳۹۱ نیز ماده ۴۵۸ به این مهم پرداخته و

^۴ - برگرفته از سایت خبری-تحلیلی تابناک www.tabnak.ir/ 1396/09/20

مندرجات گواهینامه حق خرید سهم، از جمله مهلت استفاده از آن را پیش بینی کرده است. در این شرایط، سهامداران باید به همان نسبت نیز برای شرکت آورده نقدی تأمین کنند و بعد از اینکه افزایش سرمایه شرکت به ثبت رسید، حق تقدم های سهامداران نیز به صورت اتوماتیک تبدیل به سهام عادی خواهد شد. ممکن است سهامدارانی که گواهی حق تقدم خرید سهام را پُر کرده و برای شرکت ارسال کرده اند، آورده نقدی را تأمین نکنند. در این حالت، می توانند حق تقدم خود را مثل سهام عادی از طریق کارگزاری و یا از طریق سیستم آنلاین به فروش برسانند. گواهی حق تقدم سهام، همانند سهام، در بورس داد و ستد می شود و در واقع، یک ورقه بهادار به شمار می رود. بنابراین، حتی در صورت عدم استفاده سهامداران از حق تقدم، آنها از کسب مزایای ناشی از حق تقدم محروم نخواهند شد، اگرچه برخی سهامداران ترجیح می دهند با دریافت سهام جدید، از این مزایا استفاده کنند و برخی دیگر، با فروش گواهی حق تقدم خود در بورس. از زوایای دیگر، چنانچه سهامداری فرم مزبور را تکمیل نکند و حق تقدم خود را نیز در مهلت معین شده به فروش نرساند، به این حق تقدم ها «حق تقدم استفاده نشده» گفته می شود که شرکت آنها را از طریق آگهی و به روش حراج به فروش می رساند. البته گاهی این حق تقدم ها در مهلت مقرر به فروش نمی رود و اصطلاحاً گفته می شود حق تقدم فلان شرکت دارای صف منفی می باشد. در ماده ۴۶۴ لایحه تجارت ۱۳۹۱ چنین آمده که: «اگر سهامداران ظرف مهلت مقرر سهام جدید را تعهد نکنند، سهام باقیمانده با رعایت مفاد این قانون از طریق عرضه عمومی واگذار می شود». در این موارد، شرکت کارمزدهای فروش را از مبلغ مربوطه کسر نموده و باقیمانده آن را به حساب سهامداران واریز می نماید. بنابراین، می توان گفت حق تقدم یک امتیاز مالی خالص برای سهامداران می باشد.

به فراخور بحث، می توان یک تقسیم بندی دیگر از حق ارائه داد و آن تقسیم به «حق مستقل یا اصیل» و «حق تبعی» می باشد. «حق تبعی مقدمه و حق اصیل ذی المقدمه است. با شناسایی حقوق اصیل موجودات می توان به حقوق تبعی آنها پی برد. حق تبعی ارزش خود را همواره از حق اصیل دریافت می کند. به این دلیل حق تبعی دارای ارزش گیری است» (طالبی، ۱۳۹۳: ۲۵). از بررسی مصادیق متعدد حق تقدم آشکار می گردد که این حق، یک حق تبعی می باشد؛ چرا که خود، زمینه ای برای تحقق هدف مورد نظر فاعل/دارنده می باشد. حق تقدم سهامداران نیز یک حق غیرمستقل و تابعی از سهامدار بودن دارندگان آن می باشد. به صراحت متن قانون، این حق متعلق به سهامداران شرکت ها می باشد و اگر سهام خود را منتقل کنند یا به هر دلیل دیگری، حق آنان در شرکت به عنوان سهامدار شناخته نشود، در زمان افزایش سرمایه نیز نمی توان حق تقدمی برای آنان قائل شد. بسیاری

از اوصاف حق تقدم از جمله قابلیت بازداشت و توثیق، براساس همین حق سهامی که مقدمه حق تقدم است، قابل تفسیر می باشد.

بنابر آنچه پیش تر شرح دادیم، می توان به تعریفی از حق تقدم سهام دست یافت. با توجه به این تحلیل، می توان این تعریف را چنین کامل نمود: «حق تقدم سهام امتیاز و توانایی قانونی است که به موجب آن سهامداران (اعم از حقیقی یا حقوقی) به طور موقت اختیار می یابند پیش از سایرین مالی (سهامی) را تملک کنند یا با فروش حق تقدم خود از یک امتیاز مالی برخوردار گردند».

۲- اوصاف حق تقدم سهام:

هر حقی اوصافی دارد که براساس ماهیت آن، قابل تشخیص می باشد. اینکه یک حق عینی می باشد یا دینی، و نیز اینکه قابلیت انتقال، توثیق و بازداشت را دارد یا خیر، در مبحث اوصاف آن قابل بررسی است. پیش تر بیان کردیم که حق تقدم سهامداران یک حق غیرمستقل می باشد که تابعی از حق سهام سهامداران می باشد. این مطلب از آن جهت اهمیت دارد که برای تحلیل این حق، از این نظر که عینی است یا دینی؛ باید ماهیت سهام، که حق تقدم تابعی از آن می باشد مشخص گردد. در رابطه با ماهیت حقوق سهام، از جنبه عینی یا دینی بودن آن، بحث های متعددی مطرح شده است. بعضی قائل به این امر می باشند که سهام حق دینی است، برخی دیگر معتقدند حقوق سهامداران با حق عینی تطابق دارد و دسته سوم نیز راه میانه را انتخاب کرده اند و برای سهام دو معنا قائل شده اند: یکی حقوقی که شریک در شرکت دارد و دیگری برگ بهاداری که نماینده و نمایانگر حق مذکور می باشد. اکنون در مقام بیان دیدگاههای حقوقدانان در این خصوص نیستیم^۵، اما برای تحلیل حق تقدم سهامداران از این نظر، بررسی چند نکته ضرورت دارد.

«حق عینی حقی است که شخص، به طور مستقیم و بی واسطه، نسبت به چیزی پیدا می کند و می تواند از آن استفاده کند» (کاتوزیان، ۱۴:۱۳۸۵). در مقابل، «حق دینی حقی است که شخص نسبت به دیگری پیدا می کند و، به موجب آن، می تواند انجام دادن کاری را از او بخواهد» (همان: ۱۶). در نگاه نخست باید چنین نتیجه گرفت که حق تقدم سهامداران، یک حق دینی می باشد. توجه به اوصاف حق عینی و دینی نیز این نظر را تأیید می کند. در بیان تفاوت های این دو حق گفته شده «حق عینی در برابر همه قابل استناد است، ولی حق دینی نسبت به شخص مدیون قابل اجراست و دائن، برای

^۵ - برای مطالعه این دیدگاهها ر.ک. به جعفری خسروآبادی، نصرالله و شهیدی، مرتضی (۱۳۹۴)، باپژوهی فقهی-حقوقی ماهیت اوراق سهام و قرارداد واکگذاری آن، دوفصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، شماره اول، تهران، ص ۴۳-۳۹.

وصول طلب خود و اجرای تعهد، تنها می تواند به او رجوع کند. به همین مناسبت است که می گویند: حق عینی مطلق و حق دینی نسبی است. حق عینی متضمن حق تعقیب است: یعنی صاحب آن می تواند مال خود را دست هر کس بیابد مطالبه کند. ولی حق دینی حاوی حق تعقیب نیست و موضوع آن را فقط از شخص مدیون می توان خواست» (همان: ۱۸). حق تقدم سهامداران متضمن حق تعقیب نیست و مستقلاً نیز قابل مطالبه نمی باشد، اگر چنین بود در صورت امتناع انتقال دهنده ی این حق از انجام تشریفات قانونی انتقال، منتقل الیه باید می توانست خودش این حق را منتقل می کرد و اعمال می نمود، حال آنکه چنین نیست. از همین روست که باید گفت حق تقدم سهامداران، یک حق دینی می باشد. با این حال، همانگونه که برخی از حقوقدانان بین سهم و برگی ی بهادار سهم قائل به تفکیک شده اند^۶، در مورد حق تقدم نیز می توان چنین تفکیکی را بین حق تقدم و گواهینامه ی حق تقدم خرید سهام قائل شد. پس از ایجاد حق تقدم، که می توان آن را یک حق دینی تلقی نمود، با انعکاس این حق در گواهینامه مزبور، به یک دارائی عینی تبدیل می شود. توجه به بند ۲۴ ماده ۱ «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱ در این زمینه مفید است. در این بند چنین آمده: «اوراق بهادار: هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین یا منفعت آن باشد...» با این تعریف، می توان گواهینامه حق تقدم خرید سهام را یک ورقه بهادار معرفی کرد که در مقابل اشخاص دیگر، عین می باشد. بنابراین، می توان چنین نتیجه گرفت که، حق تقدم سهامداران برخی از آثار حق عینی و نیز برخی از آثار حق دینی را دارا می باشد. از دیگر ویژگی های متعددی که برای حق برشمرده شده، قابلیت نقل و انتقال آن می باشد. بی تردید اراده سهامداران شرکت به دنبال آن است که حق تقدم در خرید سهام جدید نیز به عنوان بخشی از دارایی آنان به سهولت قابل نقل و انتقال باشد. قاعده پذیرفته شده در میان حقوقدانان آن است که نقل حق جایز است و اگر در برخی موارد خاص نقل حق به دلیلی ممنوع باشد، این امر جنبه استثنائی دارد. همانطور که پیش تر بیان کردیم، حق تقدم سهامداران نیز یک حق مالی می باشد. اصل کلی پذیرفته شده در حقوق مالی این است که این حقوق قابل انتقال به انحاء مختلف به دیگری هستند. «اصل انتقال پذیری اموال در هیچ قانونی به صراحت نیامده است، ولی از مجموع احکام مربوط به حقوق مالی بخوبی استنباط می شود: فایده مال در صورتی کامل می شود که موضوع داد و ستد باشد و از نظر اقتصادی در گردش قرار گیرد. مالک نیز حق همه گونه تصرف در مال خود را دارد و می تواند آن را به دیگری انتقال دهد (ماده ۳۰ قانون مدنی)» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۸۲). در ماده ۱۶۶ لایحه اصلاحی

^۶ - در این خصوص ر.ک. به ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۸)، حقوق تجارت، جلد ۲، چاپ دوم، نشر دادگستر، تهران، ص ۷۱.

قسمتی از قانون تجارت نیز، به صراحت به امکان نقل و انتقال حق تقدم سهام اشاره شده است. در این ماده چنین آمده است: «در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است که مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند، کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود». در لایحه تجارت مصوب ۱۳۹۱ هیچ بحثی از امکان انتقال حق تقدم یا گواهینامه خرید سهم، مشاهده نمی شود. به نظر می رسد این لایحه در مقایسه با لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ که هم امکان انتقال را پیش بینی کرده و هم مهلتی تعیین کرده است، یک گام به عقب می باشد. چراکه، همواره انتظار می رود قانون جدید نسبت به قانون سابق نوآوری هایی داشته باشد، نه آنکه دچار نقصان باشد. هرچند ممکن است چنین پاسخ داده شود که از آنجا که حق تقدم یک حق مالی می باشد، در امکان انتقال آن تردیدی وجود ندارد. به هر حال، بهتر آن است که قانونگذار تصریحی در این خصوص در لایحه تجارت داشته باشد.

انتقال حق به دو طریق ممکن است صورت گیرد: (۱) انتقال ارادی، (۲) انتقال غیرارادی و از طریق ارث. «تمام حقوق مادی و مالی قابل انتقال از طرق ارث می باشند» (آیتی، ۱۳۹۵: ۳۳). حق مالی که مورث دارد، وارث نیز خواهد داشت. آنچه محل بحث و اختلاف می باشد، امکان انتقال قراردادی تمام حقوق مالی است. بررسی نظرات فقها در خصوص قابلیت نقل حق، حکایت از در نظر گرفتن ملاک هایی دارد. «محقق نائینی، ملاک در قابلیت نقل را عدم تقوّم حق به شخص خاص می داند و ملاک در قابلیت انتقال به ارث را داخل شدن در دارایی مورث می داند» (فروغی، ۱۳۹۱: ۹). حق مالی بی تردید جزء دارایی مورث می باشد. از همین رو، در امکان انتقال آن بحثی نیست. ضابطه دیگر که از آن به عنوان یک ضابطه عقلایی یاد شده است این می باشد که اگر در صاحب حق خصوصیتی باشد که در نظر عقلا مقوّم حق است، نقل حق به شخص دیگری که دارای این خصوصیت نمی باشد جایز نیست، و اگر مقوّم بودن این خصوصیت به طور عقلایی نفی شود، نقل حق جایز است (فروغی، ۱۳۹۱: ۱۱). در خصوص حق تقدم سهام، نیز باید گفت در انتقال قهری آن از طریق ارث بحثی نیست و هرگاه مورث فوت نماید، به تبعیت انتقال سهام به ورثه حق تقدم ناشی از آن نیز منتقل خواهد شد. در انتقال قراردادی نیز، قانونگذار محدودیتی برای منتقل الیه پیش بینی نکرده است. صاحبان حق تقدم سهام می توانند حق خود را به اشخاص ثالث یا سایر سهامداران منتقل کنند. در واقع، از آنجایی که برخی از سهامداران ممکن است تمایلی به شرکت در افزایش سرمایه نداشته باشند، امکانی برای آنان پیش بینی شده است؛ بدین ترتیب که، بعد از برگزاری مجمع شرکت یک نماد حق تقدم در بازار برای

آن شرکت تعریف می شود تا سهامداران بتوانند از طریق آن نماد، حق تقدم های خود را بفروش برسانند. برای مثال، شرکت فنر سازی خاور با نماد فنر افزایش سرمایه می دهد، نماد حق تقدم آن «خفنرخ» خواهد بود که این شرکت بورسی از طریق بورس حق تقدم خود را به فروش و در معرض انتقال قرار می دهد.

یکی از مباحث قابل توجه در این خصوص، قالب قراردادی انتقال حق تقدم می باشد. درخصوص قرارداد واگذاری انتقال سهام، که حق تقدم نیز تابعی از آن می باشد، مباحثی از سوی حقوقدانان مطرح شده است و چنین بیان شده که «از نظر تحلیل فقهی بر مبنای یک دیدگاه می توان قرارداد واگذاری سهم را بیع دانست اما از نظر حقوق موضوعه، به دلیل صراحت ماده ۳۳۸ قانون مدنی در تعریف عقد بیع به تملیک عین، تبیین قرارداد واگذاری بر مبنای آن صحیح نیست و تا زمان اصلاح قانون مدنی، می بایست از راهکارهای جایگزینی همچون ماده ۱۰ قانون مدنی و یا عقد صلح استفاده نمود» (شهیدی، ۱۳۹۴: ۵۹). اگرچه این حقوقدانان در تحلیل خود به این نتیجه رسیده اند که «پذیرش نظر حضرت امام (ره) مبنی بر صحت «بیع حق» امری بایسته و شایسته است» (همان: ۶۰). با این حال، آنچه در حال حاضر مسلم می باشد آنست که قالب عقد صلح و قرارداد خصوصی در چارچوب ماده ۱۰ قانون مدنی، قالب های قراردادی صحیح برای انتقال حق تقدم سهام می باشند.

علاوه بر این، انتقال حق تقدم سهام ممکن است در بورس صورت گیرد یا خارج از آن. در صورت اخیر، پذیره نویسی خریدار حق تقدم ممکن نیست، مگر با ارائه دلیل انتقال حق تقدم؛ یعنی قراردادی که به موجب آن سهامدار دارای حق، آن را به پذیره نویس انتقال داده است (اسکینی، ۱۳۸۹: ۲۵۶). در این زمینه، بند ب ماده ۳۶ «قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور» مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ قابل توجه می باشد. در این بند مقرر گردیده: «معاملات اوراق بهادار ثبت شده در سازمان فقط در بورس ها و بازارهای خارج از بورس دارای مجوز و با رعایت مقررات معاملاتی هریک از آن ها حسب مورد امکانپذیر است و معامله اوراق بهادار مذکور بدون رعایت ترتیبات فوق فاقد اعتبار است». براساس این بند، اگر سهمی در بورس باشد، امکان انتقال حق تقدم مربوط به آن در خارج از بورس ممکن نیست و باطل می باشد.

درخصوص حق تقدم های مالی قابل انتقال به غیر، نکته ی دیگری که درخور بررسی می باشد آن است که آیا انتقال آن به هر کسی جایز است؟ یا نقل آن فقط به برخی اشخاص امکانپذیر است. درخصوص حق تقدم سهامداران در خرید سهام جدید، باید گفت که برخلاف برخی از مصادیق حق تقدم مندرج در قوانین دیگر، حق تقدم سهامداران قابل انتقال به دیگران اعم از سایر سهامداران

و اشخاص ثالث می باشد. علاوه بر این دیدگاه، از این نظر که منتقل الیه یک شخص حقیقی یا حقوقی باشد هیچ محدودیتی در انتقال حق تقدم سهام مشاهده و یافت نمی شود. بنابراین، منتقل الیه حق تقدم سهام می تواند هم شخص حقیقی و هم یک شخص حقوقی باشد. برای انتقال حق تقدم سهام شرابطی پیش بینی شده است. غالب این شرایط مربوط به انتقال قراردادی می باشد، اما برای انتقال به ارث نیز شرابطی مقرر شده است. سهام بخشی از ماترک افراد فوت شده می باشد که مطابق با قوانین باید به ورثه قانونی وی منتقل شود. فرآیند انتقال این دارایی که فقط توسط شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه امکان پذیر است، با مراجعه وراثت یا نماینده ایشان و پس از پرداخت مالیات بر ارث اوراق بهادار به دفاتر پیشخوان دولت آغاز می شود. طی عملیات انتقال قهری سهام، سهام متوفی براساس گواهی حصر وراثت، به وراثت قانونی وی انتقال می یابد و «گواهینامه نقل و انتقال سهام» برای ایشان صادر می شود.^۷ در انتقال های قراردادی نیز شرابطی وجود دارد؛ از جمله رعایت مهلت ۶۰ روزه می باشد که در ماده ۱۶۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقرر گردیده است. همچنین، از لزوم پرداخت مالیات (طبق تبصره ۱ ماده ۱۴۳ اصلاحی قانون مالیات های مستقیم اصلاحی ۱۳۸۱/۱/۱)^۸ و سایر هزینه ها یاد کرد. سازمان بورس اوراق بهادار با توجه به مصوبه شورای بورس درخصوص امکان داد و ستد گواهینامه حق تقدم خرید سهام در دوره پذیره نویسی و دستورالعمل اجرایی دادوستد آن، چگونگی انجام معاملات مکرر بر روی حق تقدم خرید سهام را اعلام نموده است. در بند ۵ آن، از لزوم ارسال فیش واریز نقدی به شرکت از سوی پذیره نویسان سهام یاد شده است.^۹ از آنجا که حق تقدم سهام، یک حق غیرمستقل، و تابعی از حق سهامداران می باشد، انتقال آن نیز از محدودیت های موجود در انتقال اصل سهم تبعیت می کند. (دمرجلی، ۱۳۸۷: ۲۲۴) اگر در یک شرکت سهامی خاص انتقال سهم منوط به موافقت مدیران باشد، انتقال حق تقدم در خرید سهام نیز منوط به موافقت مزبور است. (اسکینی، ۱۳۸۹: ۲۵۶) برخی حقوقدانان این بحث را مطرح کرده اند که آیا مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را تصویب می کند، مجاز به سلب حق واگذاری و انتقال حق تقدم مورد بحث است؟ آیا مجمع مزبور می تواند بدون سلب اصل حق تقدم، انتقال آن را به دیگران ممنوع سازد؟ در پاسخ ممکن است چنین تجویزی ناسازگار با حقوق اولیه مالکیت محسوب گردد و وجود چنین صلاحیتی برای مجمع انکار گردد. در مقابل و در رد دیدگاه فوق، می توان گفت

^۷ <http://www.csdiran.com> 1398/05/24-

^۸ -بخشنامه شماره ۳۵۴۸۵ سازمان امور مالیاتی در این زمینه قابل توجه می باشد.

^۹ -برگرفته از سایت شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی ۱۳۸۴/۰۸/۰۷ www.tmgic.ir

هنگامی که مجمع عمومی صلاحیت سلب اصل حق تقدم را طبق ماده ۱۶۷ دارد، به طریق اولی اختیار سلب حق واگذاری حق تقدم را که از آثار حق مزبور است، باید دارا باشد. (پاسبان، ۱۳۸۹: ۲۵۸)

یکی دیگر از مواردی که درخصوص اوصاف حق تقدم قابل بررسی است، امکان توثیق و بازداشت آن می باشد. در این زمینه ماده ۷۷۴ قانون مدنی قابل توجه است؛ همچنانکه در میان حقوقدانان مباحث بسیاری درخصوص امکان توثیق سهام، که مقدمه حق تقدم می باشد، با توجه به این ماده بیان شده است؛ که این ماده با مقرر نمودن شرط عین معین بودن مال مورد رهن و قابلیت قبض آن، پذیرش توثیق اسناد تجاری از جمله سهام را در پناه خود میسر نساخته است. برخی نویسندگان حقوقی در مقام آن برآمده اند که با تفسیری دیگر از مفهوم عین، امکان به رهن گذاردن سهام شرکت های سهامی را نیز به رسمیت بشناسند. به عقیده ایشان، «عدم پذیرش این نظر نیز لطمه ای به امکان توثیق سهم وارد نمی آورد. در واقع، با مقررات فعلی و با توجه به نیاز مبرم و ضرورت شناسایی توثیق سهام شرکت های سهامی، می توان به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی توثیق سهام شرکت های سهامی را به عنوان سرمایه های نوین و اموالی که واجد ارزش قابل توجه می باشند به رسمیت شناخت» (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۵۷). این نظر قابل قبول نیست، زیرا ماده ۱۰ قانون مدنی قراردادهای خصوصی را در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ می داند. حال آنکه توثیق سهم و حق تقدم ناشی از آن، برخلاف صریح ماده ۷۷۴ قانون مدنی می باشد. اگرچه وثیقه سهم در مورد شرکت های سهامی در ماده ۱۱۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ پذیرفته شده، اما این پذیرش جنبه مطلق ندارد و فقط در مورد سهام مدیران شرکت قابل اعمال است. (اسکینی، ۱۳۸۴: ۱۰۸) از همین رو، از مطالب فوق چنین برمی آید که توثیق حق تقدم سهام در نظام حقوقی ایران قابل توجیه و دفاع نیست؛ هرچند برخی نویسندگان تلاش کرده اند تا رژیم حقوقی حاکم بر چنین توثیقی را متمایز از عقد رهن به مفهوم سنتی آن تلقی کنند و وثیقه قراردادی این حق را موجه قلمداد نمایند.

درخصوص امکان بازداشت حق تقدم سهام باید گفت، با توجه به اینکه واجد ارزش مالی است و در قالب گواهینامه حق تقدم خرید سهم تجلی پیدا می کند و یک ورقه بهادار محسوب می شود، می توان آن را توقیف و بازداشت نمود. آنچه در این خصوص قابل توجه می باشد آن است که مهلت اعمال حق تقدم از سوی سهامداران محدود به بازه ی زمانی ۶۰ روزه می باشد که پس از آن، تبدیل به حق تقدم استفاده نشده می گردد و شرکت از طرف سهامداران اقدام به فروش می کند. حال سوال این است که اگر حق تقدم سهامداران از قبل بازداشت شده باشد، آیا شرکت امکان فروش دارد یا خیر؟ به نظر می رسد با توجه به اینکه مهلت افزایش سرمایه، مشخص است و نمی توان سهام عرضه

شده و حق تقدم ناشی شده از آن را بلا تکلیف گذاشت، باید قائل به این امر شد که حاصل فروش حق تقدم ها، به حساب سهامداران واريز نگردد و بازداشت شود.

۳- مبانی حق تقدم سهام:

یکی از مهمترین مباحث مربوط به «حق تقدم» این است که چرا اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی بایستی چنین حقی داشته باشد؟ حق تقدم ها به طور کلی، می توانند واجد دو مبنای قراردادی و قانونی باشند. افراد می توانند براساس حاکمیت اراده، اصل آزادی قراردادی و به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی یک قرارداد خصوصی در مورد تعیین حق تقدم منعقد نمایند. این قرارداد را می توان «قرارداد موجد حق تقدم» نام نهاد. قرارداد موجد حق تقدم عقدی است که سبب ایجاد حق تقدم می شود. برخی دیگر از حق تقدم ها نظیر حق تقدم سهام واجد مبنای قانونی می باشند؛ حق تقدم هایی که قانونگذار آنها را در قوانین مختلف پیش بینی کرده است. قانونگذار حقوق تجارت نیز حق تقدم سهام را در ماده ۱۶۶ لایحه اصلاحی و مواد بعد از آن مقرر کرده است.

در بررسی یک حق، تعیین مبنای قانونی آن از اهمیت بالایی برخوردار است. مبنای قانونی یک حق، یعنی تحلیل اراده قانونگذار. بی تردید دولت در وضع یک قاعده که در نهایت عنوان قانون به خود می گیرد، اهدافی را دنبال می کند. قانونگذار هیچ گاه خودسرانه اقدام به وضع قاعده نمی کند. تحولات اقتصادی، ملاحظات اجتماعی، اخلاقیات، عادات و رسوم مسلم و ... از جمله عوامل گوناگونی است که بر اراده دولت در وضع قانون اثر می گذارد. در شرکت های سهامی نیز، از آنجا که سهامداران خواهان حفظ حقوق و موقعیت خود در شرکت هستند، انتظار دارند در هنگام افزایش سرمایه و انتشار سهام جدید از سوی شرکت، نسبت به سایر خریداران اولویت داشته باشند. در حقیقت، قانونگذار به دنبال رعایت «مصلحت شخصی» سهامداران بوده است. در فرضی که سهامداران فاقد حق تقدم در خرید سهام جدید باشند، در زمان افزایش سرمایه درصد مالکیت و در نتیجه کنترل آنان بر اداره امور شرکت کاهش می یابد. این امر در حالی ممکن است رخ دهد که شرکت، بعد از طی یک دوره فعالیت به شهرت و سوددهی خوبی رسیده باشد و حال، سهامداران جدید با خرید سهام (بدون وجود حق تقدم برای سهامداران قبلی) از این شهرت و اعتبار شرکت سود ببرند. پسند سهامداران قبلی این نیست که علیرغم تلاش آنان در جهت ارتقاء منافع شرکت، همه را در یک سطح برخورداری از حقوق قرار دهیم. از همین روست که هدف از اعطای حق تقدم سهام، در ابتداء حفظ کنترل سهامداران

موجود بر اداره شرکت و همچنین حفظ حقوق آنان در مقابل کاهش بهای سهام در نتیجه انتشار سهام جدید می باشد.

علاوه بر مصلحت شخصی سهامداران، یک مبنای اقتصادی نیز می توان برای حق تقدم سهام شناسایی کرد. حق تقدم ها عمر کوتاهی دارند. چنانچه سهامداران در مهلت اعلام شده، اقدام به پذیره نویسی نکنند یا از فروش گواهی حق تقدم صرف نظر نمایند، شرکت پس از اتمام دوره پذیره نویسی، گواهی های مزبور را در بورس اوراق بهادار در معرض فروش قرار می دهد و مبلغ حاصل از فروش را پس از کسر ارزش اسمی و هزینه های مربوط، به حساب سهامدار واریز می کند. شرکت ها از این منابع مالی برای اجرای یک پروژه جدید یا بازپرداخت بدهی های جاری استفاده می کنند.^{۱۰} در نظام حقوقی ایران، اهلیت استیفاء سهامداران مشروط به زمان مشخصی است و با منقضی شدن مدت زمان، اهلیت تمتع سهامداران باقی مانده و اهلیت استیفاء این حق به شرکت منتقل می شود. (شهیدی، ۲۹:۱۳۹۷)

۴- اجرای حق تقدم سهام و آثار آن:

امری را که اجرا نشود یا قابلیت اجرا نداشته باشد، نمی توان به عنوان یک «حق» مورد شناسایی قرار داد؛ بلکه بیشتر به عنوان یک قاعده اخلاقی می تواند مورد شناخته شود. از صفات اساسی یک حق، بحث اجرا و ضمانت اجرای آن می باشد.

۴-۱- اجرای حق تقدم سهام:

یکی از چهره های گوناگون اجرای یک حق، مهلت اجرای آن می باشد. قانون گاه برای اجرای پاره ای از حق تقدم ها، «اجل» معین کرده است. در این خصوص، اجل به معنای مدتی است که طی آن حق تقدم اعمال می گردد. در برخی از مصادیق حق تقدم این مهلت، مشخص است؛ در برخی از مصادیق، قانونگذار حداقل و حداکثر زمان را مشخص کرده که بی تردید، اجرای حق تقدم نمی تواند خارج از این بازه ی زمانی باشد. نمونه این نوع مهلت را می توان در ماده ۱۶۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ مشاهده نمود. در این ماده چنین مقرر شده است که: «در خرید سهام جدید، صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند، حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است. مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند، کم

تر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد، شروع می شود. در این ماده، حداقل مهلت برای اعمال این حق مشخص شده است و حداکثر آن نیز، در ماده ۱۶۲ تعیین شده است: «مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیأت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند، سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد». یکی از طرق افزایش سرمایه، به دلالت ماده ۱۵۷ این قانون^{۱۱}، صدور سهام جدید می باشد که در خرید این سهام، ماده ۱۶۶ برای صاحبان سهام شرکت حق تقدم پیش بینی کرده است. با این حال، مهلت اعمال حق تقدم، همان شصت روز می باشد. در لایحه تجارت مصوب ۱۳۹۱ کمیسیون حقوقی مجلس و در ماده ۴۵۶ آن، مهلت اعمال حق تقدم به صراحت مشخص نشده است و به نظر می رسد یکی از ایرادات این قانون باشد؛ چراکه، فرض بر آن است که قانون جدید همواره نسبت به قانون قبلی کامل تر می باشد، نه آنکه وضوحی که در قانون قبلی بوده به ابهام تبدیل شود.

۴-۲- تبعیض در اجرای حق:

تبعیض در لغت به معنای بخش بخش کردن، پاره پاره کردن، جزء جزء کردن و تقسیم به اجزای گوناگون است (طاهری، ۱۳۸۴: ۱/ ۶۲۵). تبعیض در اجرای حق، بدان معناست که شخص حق خود را تنها نسبت به بخشی از موضوع آن اجرا کند و نسبت به بخش دیگر، اجرا نکند. این بحث بیشتر در حقوق مالی مطرح می گردد. دارنده حق باید بتواند در اجرای آن آزاد باشد؛ لذا می توان چنین نتیجه گرفت که اصل بر این است که تبعیض در اجرای حق امکانپذیر است. اما باید دانست که این اصل نیز، همانند سایر اصول حقوقی، مطلق نمی باشد و قواعدی آن را تعدیل می نماید؛ از جمله «قاعده فقهی لاضرر» و «اصل منع سوءاستفاده از حق». در برخی مصادیق حق تقدم قانونگذار صراحتاً تبعیض در اجرای حق را منع کرده است. از سویی دیگر، در برخی مصادیق، تبعیض اشکالی در اجرای حق ایجاد نمی کند و نه تنها برای دیگری یا دیگران مضر نمی باشد بلکه منفعت نیز ایجاد می کند. اگر سهامداران در حق تقدم خرید سهام تبعیض کنند و این حق خود را تنها نسبت به بخشی از سهام اجرا کنند، از یک سو سهام بیشتری در معرض پذیره نویسی قرار می گیرد و میزان مشارکت متقاضیان در سهام شرکت افزایش می یابد، از سویی دیگر در حالتی که سهامداران از بخشی از حق تقدم خود استفاده نکنند، شرکت با فروش و عرضه آن میزان سهم و دریافت کارمزد خود از این فروش می تواند

۱۱ - ماده ۱۵۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «سرمایه شرکت را می توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد».

از منافع آن در جهت اجرای طرح ها یا پرداخت بدهی های خود استفاده نماید. بنابراین، می توان گفت در مصادیق حق تقدم اصل بر این است که تبعیض در اجرای حق امکانپذیر است، مگر آنکه موجب ورود ضرر به دیگری گردد که در این صورت ممنوع می باشد. در بحث حق تقدم سهام، تبعیض در اجرای حق تقدم موجب بروز ضرری برای دیگری یا دیگران نمی باشد.

۴-۳- مرجع رسیدگی به نقض حق تقدم سهام:

حق تقدم مانند هر حق دیگری که در قوانین به رسمیت شناخته شده است، از حمایت های قانونی برخوردار می باشد که در صورت نقض یا تجاوز به آن، می توان از طریق مجاری قانونی نزد نهادهای شناخته شده پیگیری و طرح دعوا نمود. این نهادها گاه در خود قانون شناسایی شده اند و از نظر تقسیم بندی مراجع صلاحیتدار جهت رسیدگی به شکایات، به عنوان مراجع خاص یا اختصاصی شناخته می شوند، و گاه هیچ نهادی شناسایی نشده است اما براساس اصل ۱۵۹ از قانون اساسی که مقرر می دارد: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است...»، می توان به دادگاه از جهت نقض و عدم رعایت حق تقدم شکایت برد. در برخی از قوانینی که حق تقدم پیش بینی شده است، برای تضمین اجرای صحیح این حق مراجعی نیز پیش بینی شده است، اما درخصوص مصادیقی که هیچ مرجع خاصی مقرر نشده است، باید به صلاحیت دادگستری به عنوان مرجع عام تظلم خواهی نظر داد. درخصوص حق تقدم سهامداران نیز قانونگذار حقوق تجارت در مواد ۲۶۲^{۱۲} و ۲۶۳^{۱۳} لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ ضمانت اجرای رعایت این حق را پیش بینی کرده است، که با توجه به قدیمی بودن این قانون مجازات های مندرج در آن ضعیف و ناجیز می باشند؛ چرا که در این دو ماده برای عدم رعایت حق تقدم مجازات نقدی خفیف و نامتناسب با وضعیت اقتصادی و تورم روز جامعه تعیین شده است، این امر در حالی صورت گرفته که حق تقدم، چه سهامداران از آن استفاده کنند و چه استفاده نکنند، منافع اقتصادی زیادی برای آنان بدنبال خواهد داشت. با این حال، لایحه تجارت مصوب ۱۳۹۱

^{۱۲} - ماده ۲۶۲: «رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد: ۱. در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند».

^{۱۳} - ماده ۲۶۳: «رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عالماً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد».

که در دهه اخیر تهیه شده است، حاوی مجازات های به روز می باشد که ماده ۶۶۳ آن این مجازات ها را به این شرح پیش بینی کرده است: «هرگاه مدیر یا مدیران یا مدیرعامل شرکت در موقع افزایش سرمایه مطابق ماده (۴۵۶) این قانون، حق تقدم سهامداران را رعایت نکنند یا مهلتی که برای اعمال حق تقدم در نظر گرفته می شود را به سهامداران ندهند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می شوند».^{۱۴} بنابراین، چنانچه حق تقدم سهامداران رعایت نشود، علاوه بر مسئولیت کیفری که برای مدیران شرکت در مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت مقرر شده است، سهامداران می توانند دعوای حقوقی با خواسته «ابطال اقدامات و عملیات شرکت در افزایش سرمایه» در دادگاه مرکز اصلی شرکت مطرح نمایند.^{۱۵}

۴-۴- آثار اجرای حق تقدم سهام:

حق تقدم مانند هر حق دیگری می بایست از سوی افراد جامعه مورد شناسایی و احترام قرار گیرد تا بتواند به درستی اجرا گردد. «قابلیت استناد حق در برابر دیگران دو نتیجه مهم دارد: تجاوز ناپذیری و قابلیت مطالبه. این دو نتیجه باعث می شود که دیگران از تجاوز به حق ممنوع گردند و صاحب حق بتواند اجرای آن را از دیگران مطالبه کند و از آنان بخواهد که به حق او احترام بگذارند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۴۳۶/۳). درحقیقت، استیفای هر حقی راه مخصوص به خود را دارد. یکی از راههای بدست آوردن یک حق آن است که افراد جامعه به شناسایی و اجرای آن حق اهتمام ورزند. گاهی این امر، همراه با یک ضمانت اجرای قانونی می باشد که در مورد حق تقدم سهام نیز در دو ماده ۲۶۲ و ۲۶۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت این ضمانت اجراها مورد پیش بینی قانونگذار قرار گرفته است. اجرای حق تقدم در مصادیق گوناگون آن دارای آثاری می باشد؛ بدین معنا که با اجرای این حق، نتیجه ای

^{۱۴} - طبق ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی مدنی «رسیدگی نخستین به دعوای، حسب مورد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است، مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد» و براساس ماده ۱۱ قانون مذکور «دعا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضائی آن اقامتگاه دارد و ...». بنابراین، اصل کلی صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده می باشد. دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به امور مربوط به شرکت ها نیز در ماده ۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی چنین تعیین شده است که: «دعوای راجع به ورشکستگی شرکت های بازرگانی که مرکز اصلی آنها در ایران است، همچنین دعوای مربوط به اصل شرکت و دعوای بین شرکت و شرکا و اختلافات حاصله بین شرکا و دعوای اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می شود».

^{۱۵} - دادنامه شماره ۳۵۷ مورخ ۱۳۸۰/۰۴/۰۴ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در پرونده کلاسه ۷۹/۱۸/۱۴۹۲ در این خصوص قابل توجه می باشد.

أعم از مالکیت، انتفاع مادی یا غیرمادی برای دارنده حق بوجود می آید. یکی از آثار حق تقدم، مالکیت می باشد. ماده ۲۹ قانون مدنی، در شمارش علاقه های اشخاص نسبت به اموال، از مالکیت (أعم از عین یا منفعت) یاد می کند. گواهینامه های حق تقدم خرید سهام که نمایانگر حق عینی دارندگان آن می باشند، منجر به مالکیت سهامداران خواهد شد. از زاویه ای دیگر، حق تقدم سهام می تواند برای سهامداران با انتفاع مادی همراه باشد. انتفاع در لغت به معنای نفع گرفتن و سود بردن است (عمید، ۱۳۶۹:۲۳۹). اگر سهامداران در مهلت مقرر قانونی از این حق خود استفاده نکنند، شرکت از طرف آنان این گواهینامه ها را بفروش می رساند و پس از کسر هزینه ها، حاصل فروش را در حساب دارندگان حق تقدم واریز می کند که این خود، منجر به مالکیت بر منفعت ناشی از فروش برای سهامداران می گردد. در قانون قبلی تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵، سهام شرکت های سهامی از مصادیق اوراق بهادار معرفی شده بود (بند ۲ ماده ۱)، در حال حاضر نیز با توجه به بند ۲۴ ماده ۱ «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۴ گواهینامه های حق تقدم خرید سهام از مصادیق اوراق بهادار محسوب شده و متضمن منفعت مالی برای دارنده آن می باشند.

۵-زوال حق تقدم سهام:

حق تقدم مانند هر حق دیگری که در علم حقوق شناخته شده می باشد، با برخی رخدادهای ارادی و غیرارادی زائل می گردد. در ادامه به بررسی این موارد پرداخته می شود.

۵-۱-إعراض:

إعراض در لغت از جمله به معنای روی گردانیدن، انصراف و پشت کردن آمده است (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۵۷/۱). در فقه و حقوق، اگرچه با توجه به مفاد ماده ۱۷۸ از قانون مدنی چنین تعریف شده است که: «إعراض عبارت است از اسقاط حق شخص نسبت به شیء، به اراده صاحب حق» (شهیدی، ۱۳۷۷: ۷۲). اما باید دانست که این اختیار و حق مالک، تنها به اشیاء محدود نمی شود، بلکه تعریف کامل تر آن است که: «به عمل رویگردانیدن و ترک اموال خویش به قصد سلب مالکیت از خویش إعراض گفته می شود» (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۵۸/۱). إعراض از شاخه های سلطه ای است که مالک بر مال خود دارد و براساس آن آزاد است که از حق خود بگذرد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۸۷). بدین ترتیب، إعراض از مالکیت هم شامل اموال مادی أعم از منقول و غیرمنقول می شود و هم حقوقی که یک شخص می تواند نسبت به این اموال داشته باشد از جمله حق تقدم را نیز، در برمی گیرد. صرف نظر کردن از

حقوق اعم از اموال و حقوق مربوط به آنها در مصادیق متعدد حق تقدم نیز قابل شناسایی و به رسمیت شناختن می باشد. در حق تقدم سهام، صاحبان حق که همان سهامداران می باشند می توانند از حق تقدم خود صرف نظر نموده و از اعمال آن خودداری کنند. نتیجه این اعراض آن خواهد بود که شرکت این حق تقدم های استفاده نشده یا اعراض شده را بفروش می رساند.

حق تقدم صاحبان سهام قدیم در پذیره نویسی سهام جدید قابل اعراض نیست، مگر بعد از گذشتن مهلت هایی که در آگهی دعوت از سهامداران به منظور پذیره نویسی درج شده است. در ماده ۱۶۶ لایحه قانونی سال ۱۳۴۷ مهلت اعمال حق تقدم سهامداران شصت روز تعیین شده است. با توجه به آمره بودن این قواعد نمی توان سهامداران را وادار کرد قبل از موعده مزبور از حق تقدم خود اعراض کنند یا آن را به دیگری منتقل کنند. در عمل نیز هرگز دیده نشده که شرکتی برای اعمال حق اعراض مدتی بیشتر از مهلت قانونی مقرر کند. (اسکینی، ۱۳۸۹: ۲۵۷) ذکر این نکته نیز واجد اهمیت است که با توجه به نظری که درخصوص ماهیت حق تقدم سهامداران اتخاذ کردیم، چنانچه حق تقدم سهام را یک حق دینی بدانیم برای اسقاط آن باید از ابراء سخن به میان آورد؛ بحث از اعراض در جایی است که این حق، در قالب گواهینامه های حق تقدم خرید، به یک حق عینی تبدیل می شود و راه اسقاط آن اعراض خواهد بود.

۵-۲- انقضاء مهلت:

گفتیم در برخی موارد قانونگذار برای اجرای حق تقدم مهلت مشخص کرده است، که بی تردید انقضاء آن مهلت موجب زوال حق تقدم می گردد. در شرکت ها نیز، طبق ماده ۱۶۶ مذکور سهامداران در اعمال حق تقدم خویش مهلتی شصت روزه تعیین دارند که انقضاء آن مهلت و عدم اعمال حق تقدم طی آن، موجب پایان یافتن این حق می گردد. پایان یافتن به این معناست که سهامدار دیگر نمی تواند حق تقدم خود را اعمال کند، فقط می تواند از حاصل فروش این حق تقدم ها توسط شرکت، بهره مند گردد. به تعبیر نویسندگان حقوقی، «حق تقدم با منقضی شدن مدت زمان معین، به دلیل ارزش عرفی آن، تحت عنوان حق تقدم استفاده نشده به حیات خود ادامه می دهد؛ بدین صورت که اهلیت استیفاء سهامداران مشروط به زمان مشخصی بود و با منقضی شدن مدت زمان اهلیت تمتع سهامداران باقی مانده و اهلیت استیفاء این حق به شرکت منتقل می شود» (شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۹)

۵-۳- تصمیم قانونگذار یا نهادهای قانونی:

آنچه به یک حق اعتبار می بخشد و آن را از تعارفات اجتماعی خارج می سازد، قانون است. قانونگذار با به رسمیت شناختن یک حق، به دارنده توان مطالبه و استناد آن حق را در برابر دیگران می دهد، و همین قانونگذار است که در برخی موارد می تواند به آن حق پایان بخشد. زوال یک حق از این طریق، یا با از بین رفتن زمینه های قانونی یک حق صورت می گیرد، بدین ترتیب که قانونی که حق تقدم را شناسایی کرده بود، نسخ می شود یا تغییر می یابد، یا قانونگذار به برخی نهادها برای سلب حق تقدم اختیار می دهد. در ماده ۱۶۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت چنین مقرر گردیده که: «مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیأت مدیره می دهد، می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند؛ به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیأت مدیره و گزارش بازرسان یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد و گرنه باطل خواهد بود». طبق تبصره این ماده، سلب حق تقدم سهامداران مستلزم تعیین و معرفی اشخاصی است که قرار است جایگزین سهامدارانی گردند که حق تقدم آنها سلب شده است. در نتیجه، ناگزیر باید بر آن بود که اگر شخص یا اشخاصی برای این منظور تعیین و معرفی نگردیده باشند باید سلب حق تقدم سهامداران را موضوعاً منتفی دانست (پاسبان، ۱۳۸۹: ۲۵۹). همچنین ممکن است فقط حق تقدم بعضی شرکا سلب گردد و نه همه آنها (کاوایی، ۱۳۸۶: ۱۸۹). ممکن است چنین گفته شود که در اینجا اصلاً حق تقدم بوجود نمی آید تا زائل شود، اما در پاسخ باید گفت در قانون از کلمه «سلب» استفاده شده و از عبارت و سیاق آن چنین برمی آید که مجمع عمومی فوق العاده، ابتداءً افزایش سرمایه را تصویب می کند، حق تقدم را پیش بینی و مقرر می دارد، سپس این حق ایجاد شده را از برخی سهامداران به نفع برخی دیگر سلب می کند. بنابراین، حق برای دارندگان آن ایجاد می شود-حتی در چند آن- سپس سلب می گردد. هر تحلیل دیگری غیر از این، باعث می شود قانون معنای خود را از دست بدهد؛ چرا که، سلب حق در مواردی ممکن است که ابتداءً آن حق ایجاد شود.

علاوه بر این، به موجب ماده ۳۷ این لایحه، چنانچه برخی سهامداران مبلغ اسمی سهام خود را ظرف مهلت قانونی پرداخت نکنند، حق تقدم ناشی از آن سهام به حالت تعلیق درخواهد آمد.^{۱۶}

^{۱۶} -ماده ۳۷: «دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد اینگونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. به علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به اینگونه سهام معلق خواهد ماند».

۵-۴-اسقاط

یکی دیگر از راه های اتمام و زوال حق تقدم، اسقاط آن می باشد. تقسیم بندی هایی از اسقاط ارائه شده است؛ از جمله، اسقاط ارادی و غیرارادی. «در ادبیات حقوقی این بحث با عنوان زوال حق طرح می گردد و بر دو قسم است: الف) زوال ارادی، ب) زوال قهری. اسقاط حق در واقع همان زوال ارادی حق است که در قلمرو ایقاع به عنوان یکی از اعمال حقوقی قرار می گیرد و به صاحب حق اجازه می دهد از حق خود صرف نظر کند. از مصادیق بارز این صرف نظر کردن، ابراء و إعراض است که اولی در حقوق دینی است و از موارد سقوط تعهدات است و دومی برای صرف نظر کردن از مالکیت در حقوق عینی است» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۰۷). اسقاط غیرارادی نیز، سلب نامیده شده است. «در فقه، به بازستاندن نابحق چیزی از کسی که مالک آن است، سلب می گویند» (انصاری، ۱۳۸۴: ۲/ ۱۰۸۸). مشهور فقها و حقوقدانان برای حق چند ویژگی برشمرده اند که «اسقاط پذیری» یکی از آنهاست. فقهای متقدم و متأخر در مورد اسقاط پذیری حق اتفاق نظر دارند؛ به نحوی که می توان گفت حق به طور مطلق قابل اسقاط است. از بررسی نظرات فقها می توان به این قاعده کلی دست یافت که هر آنچه عنوان حق بر آن صادق باشد، قابل اسقاط است. حقوقدانان نیز معتقدند چون اراده خلّاق است، هم می تواند به نفع دیگری حق به وجود آورد و هم می تواند حقی را که خود دارد معدوم نماید؛ بنابراین، صاحب اراده می تواند حق خود را ساقط نماید مگر اینکه در مورد معین قانون مانع اسقاط حق شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۱۸). حق تقدم مالی، حقی است تبعی و مربوط به یک حق مالی دیگر. حقوق مالی از جمله امتیازاتی است که یک فرد می تواند داشته باشد. تردیدی نیست که شخص می تواند با اراده ی خویش، از این توانایی و امتیاز خود صرف نظر نماید.

برخی فقها برای اسقاط حق، ضابطه ای عقلایی شناسایی کرده اند. مؤلف فقه العقود معتقد است مواردی که در نظر عقلا برای رعایت حال کسی است که امر حق به دست او سپرده شده و برای مصلحت وی است؛ مانند حق تحجیر و حق خیار و مشابه آن، پس آن حق در نظرشان قابل اسقاط است (فروغی، ۱۳۹۱: ۸). کلیه حق تقدم های مالی، به تبعیت از امکان اسقاط حقوق مالی مربوط به آنها قابل اسقاط می باشند؛ ضمن اینکه در برخی موارد، اسقاط غیرارادی یا همان سلب حق تقدم نیز رخ می دهد. نظیر سلب حق تقدم در خرید سهام جدید از سهامداران، که با تصمیم مجمع عمومی فوق العاده صورت می گیرد.^{۱۷} این امر، علاوه بر آن است که دارنده حق تقدم سهام می تواند از حق

^{۱۷} - ماده ۱۶۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیأت مدیره می دهد می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیأت مدیره و گزارش بازرسان شرکت اتخاذ گردد و گر نه باطل خواهد بود».

خود به اختیار صرف نظر نماید. به این حق تقدم ها، همانگونه که پیش تر بیان کردیم، «حق تقدم استفاده نشده» گفته می شود. در زمان افزایش سرمایه، شرکت فرم گواهی حق تقدم خرید سهام را برای سهامداران ارسال می کند. سهامداری که تمایلی به شرکت در افزایش سرمایه ندارد، این فرم را تکمیل نمی کند.

نتیجه گیری و پیشنهاد:

عصر تکلیف به سر آمده و عصر جدید، عصر حق می باشد. این عبارتی است که برخی نویسندگان آن را بیان کرده اند و نویسنده این متن را بر آن داشت تا از یکی از حقوق مسلم اشخاص با نام «حق تقدم سهامداران» یاد کند و با بررسی آن، ابهام ها را در حد توان از چهره این حق بزدايد. این حق اگرچه در شرکت های تجاری کاربرد زیادی دارد، اما هیچ چارچوب منظم و مشخصی در قانون برای آن پیش بینی نشده است. از همین رو، ضروری است تا به نحو منسجم تری به پژوهش درباره ماهیت، اوصاف آن، زوایای گوناگون در اجرا و آثار این حق پرداخته شود. این نوشتار پیشرفت محسوسی به سوی شناخت هر چه بهتر این حق می باشد. از آنجا که قانونگذار قانون تجارت صرفا به صورت جسته و پراکنده، گوشه هایی از مقررات مربوط به این حق را در خود گنجانده، ارائه یک نظر با مبنای قانونی امکانپذیر نمی باشد؛ بلکه باید با تحلیل ماهیت این حق به بررسی آن پرداخت. در تحلیل ماهیت این حق، به این نتیجه رسیدیم که یک حق مالی قابل انتقال و قابل اسقاط می باشد. واری حق تقدم سهام از جنبه ای دیگر آشکار می سازد که نمی توان آن را یک حق مستقل دانست و باید آن را تابعی از یک حق اصیل دیگر (سهامدار بودن) به شمار آورد. قانونگذار این حق را بر مبنای مصالحی اعم از شخصی و برای حفظ کنترل سهامداران بر کنترل شرکت، و اقتصادی برای کسب منافع سهامداران و شرکت، پیش بینی کرده است. با اجرای این حق مالی، مالکیت سهام و انتفاع مادی برای سهامداران و بعضا شرکت، ببار خواهد آمد. این حق، عمر کوتاهی دارد و با سلب یا اعراض و ... پایان می یابد. در این پژوهش، لایحه قانون تجارت مصوب ۱۳۹۱ نیز مورد بررسی قرار گرفت که اگرچه این لایحه مربوط به چند سال اخیر می باشد، اما متأسفانه نه تنها نتوانسته خلأهای لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ را پر کند، بلکه در مواردی نسبت به آن قانون ناقص تر می باشد که از جمله آن می توان به نام نبردن از عبارت «حق تقدم» و مبهم بودن مهلت اعمال این حق اشاره کرد. لذا می طلبد تا این نقاط ضعف در پژوهشی مستقل مورد بررسی قرار گیرد و تا قبل از تصویب نهایی در مجلس شورای اسلامی، نواقص آن مرتفع گردد

منابع و مآخذ

۱. آیتی، سید محمدرضا و منتظری، زهرا. (۱۳۹۵). «وضعیت نقل و انتقال حق شفعه در منظر فقه و حقوق مدنی»، فصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره ۹، تهران.
۲. اسکینی، دکتر ربیعا. (۱۳۸۹). حقوق تجارت شرکت های تجاری، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
۳. اسکینی، دکتر ربیعا. (۱۳۸۴). حقوق تجارت شرکت های تجاری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
۴. امامی، سید حسن. (۱۳۸۳). حقوق مدنی، جلد چهارم، تهران، انتشارات اسلامیه.
۵. انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی. (۱۳۸۴). دانشنامه حقوق خصوصی، جلد اول، تهران، انتشارات محراب فکر.
۶. انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی. (۱۳۸۴). دانشنامه حقوق خصوصی، جلد دوم، تهران، انتشارات محراب فکر.
۷. پاسبان، دکتر محمدرضا. (۱۳۸۹). حقوق شرکت های تجاری، تهران، انتشارات سمت.
۸. جعفری خسروآبادی، نصرالله و شهیدی، سید مرتضی. (۱۳۹۴)، بازپژوهی فقهی-حقوقی اوراق سهام و قرارداد واگذاری آن، دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، شماره نهم، تهران.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۷). روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۰. دمرچیلی، دکتر محمد و حاتمی، دکتر علی. (۱۳۸۷). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات میثاق عدالت.
۱۱. ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۸)، حقوق تجارت، جلد ۲، تهران، نشر دادگستر.
۱۲. سلطانی، محمد و اخوان هزاوه، حامده. (۱۳۹۱)، ماهیت و قواعد حقوقی توثیق سهام، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۷، تهران.
۱۳. شهیدی، سید مرتضی و زرعی، حمیده. (۱۳۹۷)، ماهیت حق تقدم استفاده نشده با مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۴۲، تهران.
۱۴. شهیدی، مهدی. (۱۳۷۷). سقوط تعهدات، تهران، نشر حقوقدان.
۱۵. ۱۵ -طالبی، محمدحسین و طالبی، علی. (۱۳۹۳). انواع حق در دانش فلسفه حق، پژوهش های فلسفی-کلامی، شماره ۶۱، تهران.

۱۶. عمید، حسن. (۱۳۶۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۷. عمید زنجانی، آیت الله عباسعلی. (۱۳۸۸). مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر، مصحح ابوالفضل احمدزاده، تهران، انتشارات مجد.
۱۸. فروغی، علیرضا. (۱۳۹۱). آثار و ویژگی های حق از دیدگاه فقه امامیه و قانون مدنی، دانش حقوق مدنی، شماره ۱، تهران.
۱۹. کاتوزیان، دکتر ناصر. (۱۳۸۸). فلسفه حقوق، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۰. کاتوزیان، دکتر ناصر. (۱۳۹۰). حقوق مدنی ایقاع، تهران، نشر میزان.
۲۱. کاتوزیان، دکتر ناصر. (۱۳۸۵). فلسفه حقوق، جلد سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۲. کاتوزیان، دکتر ناصر. (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان.
۲۳. کاتوزیان، دکتر ناصر. (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی؛ قرارداد-ایقاع، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۴. کاویانی، دکتر کوروش. (۱۳۸۶). حقوق شرکت های تجاری، تهران، نشر میزان.
۲۵. سایت خبری تحلیلی تابناک. ۱۳۹۶/۰۹/۲۰ www.tabnak.ir/
۲۶. سایت شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سهامی عام). <http://www.csdiran.com> ۱۳۸۹/۰۵/۲۴
۲۷. سایت شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی ۱۳۸۴/۰۸/۰۷ www.tmgic.ir/

Investing in the Priority of Shares from the Perspective of the Iranian Legal System, Looking at the Trade Bill Approved 2012-04-11

Seyedeh Khadijeh Hosseini Sarcheshmi¹⁸

Sam Mohamadi ¹⁹

Abstract:

A proper inquiry into the laws of the existence of a right in the name of the right of priority. It is the privilege and ability of a person to be able to do or gain privileges before others. One of the instances of this right is the right of shareholders of the joint stock companies referred to in Article 166 of the amended Bill of Trade Act of 1968 to include shareholders after the capital increase. However, less has been done on whether this right can be referred to as a specific right like any other recognized right, and by identifying the pillars and their status among the various rights of a person, he has attained his rights in terms of his right to object or debt, to be able to be transferred, detained, and detained? What is the basis for the exercise and effect of this right for shareholders? This article examines these cases.

Keywords: Right of priority, Shareholders, Ownership, Collateral, Deterioration of right.

JEL Classification: K22

16. PhD student of private law at Mazandaran University (Corresponding Author)
kh_hosseini_999@yahoo.com

17. Associate professor of private law, Mazandaran University